

نوشته ها، مشاهدات، مقالات خود را برای ما به این آدرس بفرستید  
xyaban@gmail.com  
برای اشتراك روزانه با این آدرس الكترونيكي تماس بگيريد  
khyaboon@gmail.com

زنده باد حكومت مردم  
زنده باد مقاومت مردمی در برابر کودتا  
آزاد باد همه زندانیان سیاسی  
نابود باد گاردهای كشتار  
مرگ بر دیکتاتور

# خیابان

شماره ۱۵ یکشنبه ۱۴ تیر ۱۳۸۸



## از میان صدها کشته روزهای اخیر هویت ۳۴ شهروند جانباخته مشخص شد

### یورش حكومت بیداد به وکلای مستقل

### گزارش تصویری از تهران اشغال شده

#### دانشگاه و استبداد

امیر ک.

عمال کودتاچی حكومت سرکوب مراحل نوینی را برای انهدام جامعه تدارک می بینند. ابتدا به خبری کوتاه که در خصوص قصد حكومت برای نابودی دانشگاه، این سنگر همیشگی آزادی، منتشر شده است نگاهی بیاندازیم:

« ایرنا - معاون دانشجویی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری گفت: دانشجویانی که مرتکب خطا در جریان انتخابات اخیر ریاست جمهوری شده اند نه تنها به حقوق مادی بلکه حقوق معنوی ملت آسیب زده اند. از این رو، با آنها برخورد شده و در صورت تشخیص از تحصیل باز داشته خواهند شد. به گزارش ایرنا، «محمود ملباشی»، شنبه شب در حاشیه چهل و پنجمین گردهمایی معاونان دانشجویی و فرهنگی و مدیران کل امور دانشجویی و امور فرهنگی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی در همدان در جمع خبرنگاران افزود: با هر کسی که بی دلیل خسارتی به اموال عمومی برای پیش برد اهداف سیاسی بزند به شدت مقابله می شود.

ملباشی گفت: این وزارت خانه هم اینک در حال جمع بندی اطلاعات به دست آمده و اعلام نظر در خصوص مسایل دانشجویان خاطی در تعدادی از دانشگاه های کشور در جریان قبل و بعد از انتخابات است.»

محمود ملباشی ها و ارادل و اوباشی چون او که شغل و منصبشان از قیل فعالیت های مختلف اجتماعی و از آنجمله تحصیلات عالی شهروندان به جیب زده اند، قصد خود را برای پاکسازی دانشگاه ها به شیواترین نحو ممکن بیان کرده است. آنها گفته اند که دانشجویانی را که در برابر کودتا تسلیم نشده اند را از حق تحصیل محروم می کنند. البته همیشه آنها دانشجویان سیاسی را از حق تحصیل محروم کرده اند. اما تفاوت اینجاست که در روزهای اخیر به تقریب تمام دانشجویان کشور، صدها هزار دانشجو، در مقابل کودتای خامنه ای-احمدی نژاد ایستاده اند و در خیابان ها و دانشکده ها، سنگرهای مبارزاتی را برپا کرده اند. آنها با شعله های زندگی در قلب هایشان و گدازه های خشم در مشت هایشان در مقابل نمایندگان خدای سرکوب بر زمین ایستاده اند و از جان های جوانشان مشعل های آزادی خواهی و رهایی را پر شرر تر ساخته اند. پس فاشیسم ملباشی ها بی دلیل نیست که برای انهدام دانشگاه، همچون انهدام تمام جامعه، آماده می شود.

اما ملباشی ها چیزی بیش از زایدی بی مصرفی از نظام دانشگاهی نیستند. ممکن است آنها بر مثنی بی مغز نظامی حکم برانند، اما برای فرمان دادن در دانشگاه بسی کوچک هستند. دانشجویان در مبارزه کنونی خود علیه حكومت كشتار و ترور، همبستگی و هم سرنوشتی جمعی خود و نیز کل جامعه را آموخته اند. پاسخ به ملباشی را نه تنها ۱۸ تیر و در خیابان، بلکه با آغاز سازماندهی برای اعتصابات بزرگ دانشگاه ها و دبیرستان ها از اول پاییز خواهند داد.

حكومت در تلاش است تا یکبار و برای همیشه مشکل دانشگاه را حل کند. دانشجویان مبارز امروز اما می دانند که برای داشتن حق تحصیل، حق بیان آزادانه ی خود، حق اجتماع و تشکل، باید تکلیف جامعه را با کودتاچیان یکسره کنند. کلام دانشجویان، کلام عقب نشینی و تسلیم نیست. آنها چون همیشه در صفوف مقدم پیکار با استبداد ایستاده اند. نهاد دانشگاه را بایست پاکسازی کرد. اما این دانشجویان نیستند که به خانه هایشان می روند. بلکه به زودی این ملباشی ها و وزیر علوم و حراست های دانشگاه و جوخه های فاشیستی بسیج هستند که یکبار و برای همیشه از دانشگاه پاکسازی خواهند شد.

سازمان یابی های نوین دانشگاهی، که اتکای خود را بر نیروی خود دانشجویان و نیز گروه های دیگر تحت سلطه بنا کند، و نه جناح های مختلف دولت و سلطه، مهمترین و نیرومند ترین ابزار جامعه دانشگاهیان در مبارزه با حكومت کودتایی خواهد بود. برای مقابله با کودتا به یک سازمان سراسری دانشجویی با به رسمیت شناختن تنوعات درون جنبش دانشجویی نیاز است.



Tehran 20 June  
Protest march after Iran's  
election  
© Photo By IranFree88



#### درباره ی مسأله ی زندانیان سیاسی

زندانی سیاسی دیگر پدیده ای دور از چشم ها نیست. امروزه مسأله زندانی سیاسی کل جامعه ایران را در داخل و خارج از کشور به خود معطوف کرده است. تمام جامعه شاهد بی حقوقی زندانیان سیاسی است. چندین هزار نفر ظرف چند روز به مجموعه زندانیان سیاسی پیشین افزوده شده اند و در مورد آنچه در درون زندان های جمهوری اسلامی جریان دارد هیچ گونه اطلاع رسانی دقیقی وجود ندارد. آنچه بدیهی است شکنجه روزانه هزاران نفری است که به جرم مخالفت سیاسی با حاکمیت دستگیر و زندانی شده اند. آنچه نگرانی کل جامعه را برانگیخته اخباری مبنی بر تدارک و اجرای یک کشتار وسیع درون زندان هاست. علاوه بر زندان های شناخته شده، اخباری مبنی بر ایجاد و گسترش کمپ ها و بازداشتگاه های مخفی توسط حاکمیت منتشر شده است. می بینیم که رسانه های بزرگ بر تعداد محدودی از زندانیان روزهای اخیر متمرکز شده اند، زندانیانی که اغلب دوستان منتقدی در داخل حكومت نیز دارند. ضمن اینکه هرگونه تلاشی برای جلوگیری از شکنجه و فشار بر تمام زندانیان بدون توجه به دوری و نزدیکی آنها به حاکمیت یک اصل است، اما نمی توان در مورد بسیاری از زندانیانی که خارج از مدارهای قدرت حاکم هستند نگرانی بسیار شدیدتری را احساس نکرد. در تهران کمپنی برای دفاع از حقوق بازداشت شدگان روزهای اخیر ایجاد شده است که با فشار فراوان نیروهای امنیتی مواجه است. به نظر می رسد مداخله وسیع تری برای تحمیل آزادی کلیه زندانیان سیاسی بر حكومت لازم است. یک اقدام ضروری می تواند تشکیل کمیته ای بین المللی مرکب از نویسندگان، فعالین حقوق بشری، روزنامه نگاران و حقوقدانان بین المللی باشد که متکی بر اعتبار افکار عمومی جهان پیگیر آزادی کلیه زندانیان سیاسی باشد. این کمیته غیر دولتی می تواند برخلاف هیأت های دول خارجی و یا سازمان ملل که همواره در چهارچوب منافع دولت های قدرتمند عمل می کنند، اتکای خود را بر حقوق مسلم جهان شمول انسان ها بنا کند و در مسیر عملکرد خود مجبور به رعایت منافع دولت های قدرتمند نباشد.





صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران

#### اخبار کوتاه

**جانباختن یک استاد دانشگاه اهواز**

بالاترین: جعفر بروایه استاد دانشگاه چمران اهواز و دانشجوی مقطع دکترای دانشگاه تهران که برای شرکت در امتحانات به تهران رفته بود هفته گذشته در تظاهرات میدان بهارستان شرکت میکند واز ناحیه سرمورد اصابت یک گلوله قرار میگیرد که بعد از آن به یکی از بیمارستانها ی تهران منتقل وقبل از رسیدن به شهادت میرسد. جسد آن شهید بزرگوار توسط یکی از دوستان وی شناسایی وبه اهواز منتقل وتحویل خانواده وی شد. مراسم دفن آن شهید در حضور نیروهای امنیتی رژیم انجام گرفت.

**اعدام ها در زندان ها آغاز شده است**

به گزارش خبرگزاری فرانسه از تهران، ۲۰ نفر امروز در زندان رجایی شهر حلق آویز شدند. اتهام این افراد قاچاق مواد مخدر اعلام شده است.

طی روزهای گذشته نیز شش نفر در زندان اوین تهران و شش تن دیگر در شهر قم اعدام شده بودند. این اعدام ها در بجهوحه اعتراضات گسترده مردم، به منظور ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه صورت می گیرد.

**تعطیلی کوی دانشگاه در آستانه ۱۸ تیر**

اژانس ایران خبر: به دستور شورای تامین استان تهران ،کوی دانشگاه تهران تعطیل شد.تعطیلی کوی دانشگاه از عمده ترین راه های فشار به دانشجویان دانشگاه تهران است که هرساله در آستانه ی ۱۸ تیر صورت می گیرد.فشار بردانشجویان دانشگاه تهران برای تخلیه کوی دانشگاه امسال برخلاف سال های گذشته بسیار زودتر از آنچه تصور می شد شروع گردید.این فشار بطور واضح با حمله ی انصار به کوی دانشگاه در تاریخ ۲۵ خرداد جنبه عملی به خود گرفت.پيامد این حمله وحشیانه، دستگیری تعداد زیادی از دانشجویان و ضرب و شتم و تخریب اموال دانشجویان ساکن در کوی دانشگاه بود.بعد از این جریان تعداد زیادی از دانشجویان شهرستانی به دلیل مشکلات فزاینده روحی و روانی و فشار نیروهای سرکوبگر مجبور به ترک کوی شدند.از سوی دیگر تعویق امتحانات موجب شد دانشجویان انگیزه ای برای حضور در دانشگاه نداشته باشند با این وجود فشارهای سیاسی موجب شد که با تهدید خانواده های دانشجویان شهرستانی بیشتر ساکنین ،کوی را تخلیه کنند. اما ضربه ی نهایی وفشار آخرین مسئولان کوی برای بستن کوی دانشگاه با دستور مدیریت و ریاست دانشگاه مبنی برتعطیلی کوی از جمعه ۱۲ تا ۲۷ تیرماه صورت گرفت.

**زینب پیغمبر زاده دستگیر شد**

زینب پیغمبر زاده از اعضای کمیسیون زنان دفتر تحکیم وحدت و کمپین یک میلیون امضا امروز عصر در پارک لاله بازداشت شد

**بازداشت فعالان خوزستانی**

کمیته گزارشگران حقوق بشر

دوشنبه هفته گذشته، ماموران اداره اطلاعات استان خوزستان، با یورش به منزل مجتبی موسوی، از اعضای جبهه ملی ایران، وی را بازداشت نمودند. او هم اکنون در بازداشتگاه این سازمان به سر برده و تا کنون تنها یک بار با منزل خود تماس گرفته است. موسوی، پیش از این نیز در جریان اعتراضات اخیر شهر اهواز بازداشت و پس از گذشت بیست و چهار ساعت با قرار وثیقه آزاد شده بود.

همچنین، پنج شنبه گذشته، ماموران اطلاعات خوزستان ضمن مراجعه به منزل امیر رضا امیر بختیار قصد بازداشت وی را داشتند که به دلیل عدم حضور او موفق نشده و اقدام به احضار تلفنی نمودند. آنها بیان داشتند که در صورت عدم معرفی امیر بختیار با وی به عنوان فراری برخورد خواهد شد.

از دیگر فعالان سیاسی بازداشت شده در اهواز می توان از ابوالفضل عابدینی نام برد که او نیز هفته ی پیش بازداشت شد.



از من سؤال کرده بودی: همه جا اولین چیزی که پرسش می شود اینست که بنظرتان چه می شود؟ چقدر مردم دوام می آورند؟ پس طبقه کارگر کجاست؟ چرا اقشار فقیر در صحنه کمرنگ هستند؟ آیا هنوز هم باید با موج سبز مرزبندی کرد؟ اجازه بهم بده اونچور که اوضاع رو می فهمم برات بگم.

برنامه های روزانه مان اساسا، بر تجمع های روزانه چیده می شود. تا وقتی توی خونه نشستم دل تو دلم نیست. می خوان برم بیرون. فکر می کنم امروز کجا برم. چه کار کنم. چی میشه. چقدر از مردم میان؟ طاقتم نمی گیره. می زنم بیرون. این روزها چهره همه چیز تغییر کرده. وقتی راه میری همه به هم نگاه می کنن. از تیپ و قیافه مردم می شه فهمید که امروز می خوان برن تجمع یا نه. شهر یک شکل دیگه است. آدم هر لحظه انتظار یک اتفاق رو می کشه. این روزها ترجیح می دم با وسایل نقلیه عمومی تردد کنم. همه جا صحبت از اتفاقات اخیره. دیگه طرفداران احمدی نژاد جرأت نمی کنن حرف بزنن. اما همه تا سر صحبت باز می شه نظراتشونو می گن. خیلیها شاکین از صدا و سیما که چرا انقدر وقیحانه دروغ می گن. چرا انقدر مردم رو احمق فرض می کنن. جوونا دارن تو خیابونا کشته می شن اما اینا صبح تا شب فیلم پخش می کنن. یک عده معتقدن که همینه که هست. چرا جوونا کشته بشن. اما تعداد این افراد زیاد نیست. زن جوانی امروز می گفت اگه این خیزش بخوابه این حکومت مثل طالبان میشه. دیگه مجبورمون می کنن برقع و چادر سرمون کنیم. صاف صاف توی چشمون نگاه می کنن و دروغ می گن. دیگه وقاحتشون از حد به در شده. بعضی از مردم عادی که زیاد هم توی تجمع ها نبودن و فقط به ظاهر اوضاع و اتفاقات نگاه می کنن، وقتی که خیزش ها کمی از شدتش کم شد گفتن دیگه تمام شد و سرکوب شد. در مقابل بحث هایی که باهاشون میشد پاسخی نداشتن. می گفتن نتیجه نمی ده. البته شاید فقط به حریم کوچیک زندگی خودشون نگاه می کنن که دلشون نمی خواد ادامه پیدا کنه. عده ای معتقدن که آخوندها مکارن و سیاستمدارشونو تو مکتب انگلیس یاد گرفتن و عین اونا خوب می دونن که برای نگه داشتن قدرت چه کنن.

میگن شاه خیلی با مردم مقابله نکرد و فرار کرد. اگه اون موقع «صد هزار»نفر کشته شدن تا انقلاب شد اما ایندفعه«حداقل ۳۰ میلیون کشته میشن». یک نفر گفت اگر هم ادامه پیدا نکنه اینا انقدر از روشنفکرا، دانشجوها، فعالین سیاسی، مردم عادی و جوونا می کشن که همون ۳۰ میلیون بشه. پس بهتره بجنگیم تا چیزی به دست بیاریم و دلمون نسوزه که همه چیز باز به دست اونا افتاد ومطمئنم که تالافات هرگز به این اعداد نخواهد رسید.

در روزی که تجمع مقابل مسجد قبا بود با اتوبوس به سمت اونجا حرکت کردم. در قسمتی که سوار شدم، از ۱۰ نفری که بودن ۷ نفر داشتن می رفتن به مراسم. هر چه که به میدان محسنی می رسیدیم حالت غیر عادی مشهود بود. گاردی ها، بسیجی ها، توی قسمت عقب ماشینهای ون، یک قفس هایی گذاشته بودن و درشم باز بود. به قول رفیقی می گفت می خوان زیاد زحمت ندن به خودشون و راحت تا گرفتن بچپون اون تو. زنی که معلوم بود که ساکن این منطقه اس با تعجب گفت چرا اینقدر شلوغه؟ زن سالمندی که عصا به دست داشت برای چندمین باز با صدایی رسا از چند نفر در مورد ایستگاه حسینیه ارشاد که محل برگزاری مراسم بود پرسید، زن سالمند گفت میدونید که امروز هفتم ندا ست! یکی پرسید ندا کیه؟ زن سالمند جواب داد: چطور نمی دونین؟! همون دختری که جلوی چشم همه غرق خون شد. به حسینیه ارشاد که نزدیک می شدیم صدای رسای شعار دادن تجمع کنندگان به گوش می رسید. «مرگ بر دیکتاتور».

مردم در دو سمت پیاده روها حرکت می کردن و گاردی ها هم در کنار خیابان و روی تمام پشت بامهای اطراف کیپ تا کیپ وایساده بودن. خیابان شریعتی هم کیپ تا کیپ ماشین بود و ترافیک شدیدی بود. راننده ها هم در همبستگی با مردم دست روی بوق گذاشته بودن و نیروهای گاردی و بسیجی هم حسابی کلافه بودند و سعی می کردند که راه رو باز کنند. جوانی توجهم را جلب کرد. در لابلای ماشینها و در حالیکه در اطراف پر از نیرو بود دستپایش را به سمت بالا حرکت می داد به معنی همراهی مردم و شعار دادن. انقدر مصمم و جسورانه این کار را می کرد که فکر کردم یعنی واقعاً این دیکتاتورها و مستبدا امیدوارند که با سرکوب چنین جوانانی بر قدرت بمانند.

مردمی که از سمت پایین داشتن میومدن بالا، به بقیه می گفتن که آرام و بدون دویدن بیاین به سمت بالا چون دارن همینجوری کتک می زنن و میان اینطرف. از اوج گرفتن صدای شعار ها می شد فهمید که دارن کتک می خورن و برای مقابله فریادشونو بلند تر می کنن.

وقتی که اتفاقات قبل از انتخابات تا کنون را بازنگری می کنم می بینم که در این ۳ هفته چه تغییراتی صورت گرفته. چه رادیکالیسمی در مردم پدید آمد و رشد کرد. انرژی و پتانسیل جوانها که اکثریت جمعیت را تشکیل می دهند چون آتشفشانی که سالها خاموش بود غلیان کرد. رفیقی می گفت: مادرم در ۳۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی رای نداده. اما امسال رای داد که چنین شد و حالا انقدر مصمم هر روز با من به خیابان میاید و شعار می ده که به زور می برمش خونه. گفت موسوی بهانه شد برای آشکار شدن آتش زیر خاکستر. در روزهای اول اعتراضات باز هم شعارها و اعتراضات مردم همچنان رنگ و بوی سبز می داد. اما حالا دیگه تعداد سبز ها هم کم شده. تا قبل از انتخابات دعوا بر سر دو کاندیدا بود و کری خوندن طرفدارا. اما حالا دیگه همه، همه جا خیلی راحت از بر اندازی صحبت می کنن. می گن دیگه بسه هر چی خوردن و کشتن، بردن. اگه ساکت بشینیم هر کاری بخوان باهامون می کنن. چیزی که خیلی توی این اعتراضات مشهوده حضور خانوادگی مردم و سنین و تیپ های مختلفه و این خیلی مهمه. افراد مسن با عصا، حضور وسیع و پر شور و شجاع جوونا، مادرها با بچه هاشون. اینها همه نشانه انگیزه بالای مردم برای تغییره. در جلوی مسجد قبا دوستی می گفت:«بابا این دخترا چکار می کنن تو این درگیربها، همش اون جلو هستن». گفتم آخه انگیزه هاشون خیلی زیاده. گفت آره! راست گفتن که انقلاب آینده ایران به دست زنهاست.

به هر حال این موضوع کاملا مشخصه که نگاه مردم به اتفاقات و مبارزات اخیر به جور نیست. به جز اقلیت بسیار کمی که در این رژیم منافع دارن و می خوان همه چیز زود سرکوب و تموم شه، در بین مردم عادی با وجود نظرات مختلف بر سر ادامه این خیزش یا سرکوب آن یک مسئله مشترکه و اونم اینه که دیگه ادامه راه با این رژیم خیلی سخته. همانطور که در بالا گفتم عده ای معتقدند که مردم مگه چقدرن و چقدر می تونن دوام بیارن. بالاخره خسته می شن. می تونم بگم که این افراد کسانی هستند که فقط به ظاهر قضایا نگاه می کنن و عمق و پشت پرده رو نمی بینن. عده ای دیگه می گن مردم الان طاقت و توان انقلاب رو ندارن و براش آمادگی ندارن و این خیزش جز کشته شدن و دستگیری برای مردم چیزی در بر نداره. عده خیلی کمی میگن مردم فقط باید مسلح بشن. هیچ راه دیگه ای نیست. وقتی دشمن مردم با سلاح میاد برای سرکوب، با شعار و سنگ نمی شه از خودمون دفاع کنیم. اما بعضیها جواب می دن که نه مردم نباید مسلح بشن وگرنه دیگه معلوم نیست چی بشه. هرج و مرج میشه. اگه قرار باشه هر کس تو خیابون راه بیفته و یک اسلحه دستش بگیره مگه میشه؟

دیگه حرفی از موسوی نیست. دیگه نماد های سبز خیلی کم شده. اگر چه هنوز عده ای هم در داخل و هم در خارج خیلی به این موج سبز دخیل بستن، اما مردم فهمیدن که بعد از ۳ هفته امید داشتن به موسوی یک توهمه و دیگر هیچ. اون نشسته تو خونه اش یا در حال نامه نوشتن به کسانی است که سی ساله این وضع رو برای ما بوجود آوردن. مردم دارن می جنگن. اونم با چنگ و دندان. به قیمت جانشون. هر از گاهی یک بیانیه میده که بوی گند سازشش همه جا رو بر

**NOKIA**  
Connecting People  
**JAILING**



#### می شنوید صدای ما را

با شما هستیم!

با شما ،ای شکارچیان انسان!  
آی شما، که وحوش ازدرنده خوبی تان  
حیران!

می شنوید صدای ما را؟

مرگ بر دیکتاتور،

زنده باد آزادی را؟

شاید فردا به مکر ماکرین

یا شیطنت شیاطین

از معرکه جستید!

شاید ازآتشفشان خشم مادران داغدار

وانتقام خلق

در عمق دریا

یا درمغاک غار

چند صبحی پناه گرفتید

اما از نگاه شماتت بار

وچشمان گشاده ی ندا

که در خواب و بیدار

به شما می نگرد ،

به کجا می گریزید؟!

آی شکارچیان انسان!

سی سال درین سرزمین پاک

بذر ناپاکی فشاندن،

بر گرده ی فرزندانمان

زخم تازیانه نشانندن

پشت میله های قلب سیاهتان

کبوتران را پر بستن

سی سال! آری سی سال!

سی سال برای ما، تنها دو واژه نیست

که شتاب لحظه ها درین سی سال

آنچنان کند است

که گاه فریاد می کنی

چرا زمان ایستاده است؟

اینک بشنوید:

اینک صدای پای کاوه ها

بنگرید:

کمانه ی کمان گردآفریده

بنگرید آرش را برفراز دماوند

وپایان خلافتان را

ای آخرین پس مانده های عصر جهالت!

می شنوید صدای شکستن شیشه ی عمر

دیو را؟

می بینید:

دود شدن ریش و ریشه ی سالوسیان

تاریخ را؟

با شما هستیم

با شما شکارچیان انسان!

آی وحوش از شما ترسان

می شنوید صدای ما را؟

صدای فرو خفته ی سرکوب شدگان را؟

مرگ بردیکتاتور

زنده باد آزادی را؟

**سخنی با خوانندگان خیابان**

ما نامه های بسیاری از شما عزیزان دریافت می کنیم اما فرصت و امکان پاسخگویی به همه آنها را نداریم. در حال تدارک ستونی برای اختصاص به نظرات شما هستیم. اما علاوه بر شنیدن نظرات و پیشنهادات شما، از دریافت یادداشت ها، گزارش ها، عکس ها و مقالات شما نیز استقبال می کنیم. دانشجویان، زنان، کارگران و تمام شهروندانی که صدای آنها در رسانه های رسمی سانسور و سرکوب می شود، آن صداهایی که طنین خشم آگاهانه ی سرکوب شدگان علیه فاشیسم مستقر هستند، به حنجره ای جمعی برای به سخن آمدن نیاز دارند. **خیابان** از آن مردم معمولی کوچه ها و خیابان ها است و نه انعکاس دهنده ی صدای قدرتمدارن، دیکتاتورها و خودفروختگان.



# گزارش تصویری

(ارسالی برای خیابان)



Tehran 20 June  
Protest march after Iran's election  
© Photo By IranFree88



Tehran 20 June  
Protest march after Iran's election  
© Photo By IranFree88



Tehran 20 June  
Protest march after Iran's election  
© Photo By IranFree88



Tehran 20 June  
Protest march after Iran's election  
© Photo By IranFree88



Tehran 20 June  
Protest march after Iran's election  
© Photo By IranFree88



Tehran 20 June  
Protest march after Iran's election  
© Photo By IranFree88



Tehran 20 June  
Protest march after Iran's election  
© Photo By IranFree88



Tehran 20 June  
Protest march after Iran's election  
© Photo By IranFree88



## همبستگی سندیکای حمل و نقل آلمان با معترضان در ایران

رئیس هیئت مدیره‌ی سندیکای راه‌آهن و حمل‌ونقل آلمان با ارسال نامه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی برلین، از دولت ایران خواست به «سرکوب وحشیانه‌ی تظاهرکنندگان» که بطور مسالمت‌آمیز به نتایج انتخابات اعتراض می‌کنند، پایان دهد.

الکساندر کیرشنر، رئیس سندیکای راه‌آهن و حمل‌ونقل آلمان (ترانس‌نت)، در نامه‌ی خود نوشته است: «ما عمیقاً نگران رویدادهای بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ایران و پیامدهای آن هستیم. در همبستگی با کارگران ایران، از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهیم که سرکوب وحشیانه‌ی تظاهرکنندگان توسط نیروهای امنیتی را متوقف کند.»

«تصاویری که از زخمی‌ها و قربانیان تظاهرات بدست ما رسیده است، بشدت تکان‌دهنده هستند. مردم ایران که بعد از انتخابات برای آزادی، دموکراسی و شفافیت دست به تظاهرات زده‌اند، از حمایت کامل سندیکای راه‌آهن و حمل‌ونقل آلمان (ترانس‌نت) برخوردارند.»

الکساندر کیرشنر، رئیس سندیکای راه‌آهن و حمل‌ونقل آلمان در ادامه‌ی نامه‌ی خود از دولت ایران خواسته است، همه‌ی بازداشت‌شدگان تظاهرات و نیز همه‌ی زندانیان سیاسی را فوراً آزاد کند، حق تشکیل سندیکاهای مستقل را به رسمیت شناخته و فعالان کارگری زندانی را آزاد کند. رئیس سندیکای حمل و نقل آلمان همچنین از دولت ایران خواسته است، به حقوق جهان‌شمول انسان‌ها احترام بگذارد، آزادی عقیده، مذهب، مطبوعات و آزادی اجتماعات را به‌رسمیت بشناسد و برگزاری انتخابات مجدد و آزاد را زیر نظارت نهادهای بین‌المللی بپذیرید.

در ادامه‌ی نامه‌ی آمده است: «ما اکید از دولت ایران می‌خواهیم به خشونت دولتی پایان دهد. کسانی که در سرکوب تظاهرات مسالمت‌آمیز روزهای اخیر و ضرب و شتم و قتل تظاهرکنندگان دست داشتند، نباید بدون مجازات بمانند.»

«در ایران سال‌هاست که فعالان کارگری تحت تعقیب‌اند یا بازداشت می‌شوند. فعالان کارگری تنها می‌توانند به‌طور مخفیانه فعالیت کنند. در ایران هنجارهای پایه‌ای فعالیت آزاد سندیکایی بطور روزمره نقض می‌شود.»

«داستان غم‌انگیزی است که اکنون نیز نام فعالان کارگری دوباره در فهرست بازداشت‌شدگان جای گرفته است.»

## استقلال کانون وکلا در خطر

خبرنامه اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری ایران

۱- چند سال پیش این تیترو روزنامه اعتماد از بروز فاجعه بی برای سیستم قضایی و حق دفاع مردم و حتی کل نظام جلوگیری کرد. طرح دوفوریتی ادغام کانون های وکلا در تشکیلات ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه – که بی شک دولتی شدن کانون وکلا و وکالت و بی اعتبار شدن سیستم قضایی کشور و مخدوش شدن حق دفاع مردم را در پی داشت – با این هشدار به موقع روزنامه اعتماد و همراهی برخی نشریات دیگر، منجمله اعتماد ملی و هوشیاری و اقدام سریع نمایندگان و هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی، از دستور خارج و به این ترتیب از ضایعه بی بس دردناک و جبران ناپذیر اجتناب شد.

اما این بار با دور زدن قوه مقننه و مجلس و با سود جستن از اوضاع موجود – که مجاری انتخابات و پیامدهای آن تقریباً همه چیز را تحت الشعاع قرار داده و به اصطلاح ،شهر شلوغ شده است،- و با این محاسبه که در این اوضاع و احوال کسی متوجه ابعاد فاجعه نخواهد شد و بانگ اعتراض و روشنگری هم از کسی بر نخواهد آمد و اگر هم برآید می توان رنگ سیاسی به آن زد و معترض و روشنگر را روانه جایی کرد که ،عرب نی انداخت، آیین نامه بی را تصویب و منتشر کرده اند که از هر قانونی ،قانون ترو، است.

۲- خطاب این مقاله نه فقط به نمایندگان مجلس، اعضای شورای نگهبان، وکلا و قضات دادگستری، حقوقدانان، مجامع بین المللی تخصصی حقوقی و فرهیختگان و دانشمندان کشور بلکه به تمام مردم ایران یعنی صاحبان ،حق دفاع، است که به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی و قوانین عادی و میثاق های بین المللی که ایران به آنها پیوسته، حق دارند از خدمات وکلای مستقل و آزاد و آزاده، وابسته به کانون های مستقل و خودگردان برخوردار باشند.

وکلایی که به لحاظ عدم وابستگی به حکومت و دولت و مستقل بودن از قوه قضائیه، آنجا که پای حق مردم و دفاع از ایشان مطرح است، بدون توجه به گرایش های سیاسی و عقیدتی موکلان و نوع اتهام ایشان، به میدان می آیند و سینه سپر می کنند و این اطمینان را دارند که سازمانی مقتدر و مستقل حامی ایشان است و حیثیت و عرض و امنیت شغلی ایشان در امان خواهد بود، هر چند

داشته. کم کم هم در آینده می گه که من از حقم می گذرم، مردم شما هم گذشت کنین.

اما مردم دیگه خواسته هاشون فراتر رفته. دیگه به مردم ثابت شده که واقعا با یک دیکتاتوری عریان و حکومت سراپا مرتجع روبرو هستن. وقتی به خلیلها میگی چرا هنوز برای موسوی شعار میدی؟ می گن دیگه چاره نیست. باید یک بهانه داشته باشیم. پس اسم چه کسی رو بیاریم. رهبر دیگه ای نیست، موسوی رو قبول نداریم، اما برای بیرون ریختن بهانه ای باشه، میگیم موسوی.

مهمترین مسئله در حال حاضراین است که مردم نیاز به یک رهبری برای هدایت مبارزاتشان دارند. این مسئله روشن می کنه که اونایی که مدعی مبارزه علیه استبداد و دیکتاتوری و حکومت ضد مردمی هستن چه وظیفه سنگینی روی دوششونه. از فعالین کارگری، دانشجویی، زنان، معلمان و همه کسانی که خواهان انقلاب و دگرگونی هستن باید در جهت هدایت مردم و جوانانی که توی این مبارزات نشون دادن که چقدر با انگیزه و جسورن قدم بر دارن. مبارزات خودجوش مردم باید شکل آگاهانه بگیره تا بتونه به شکل پیوسته ادامه پیدا کنه. اونایی که با کم شدن شدت اعتراضات زود پاسیو شدن و گفتن دیگه سرکوب شد باید بهشون گفته بشه که مبارزه افت و خیز داره. همیشه یکنواخت نیست. هر جوری که شروع بشه به همون صورت ادامه پیدا نمی کنه و تموم نمی شه. مردم در طی یک مبارزه خیلی نظراتشون تغییر پیدا می کنه و رشد می کنه. در مبارزات اخیر با وجود دستگیری های بیشمار و کشتار مردم، اما باز هم ادامه پیدا کرد. اونایی که موندن میشه گفت که جزو رادیکالترین افراد هستن و باید تلاش بشه تا آگاهیشون بالا بره و مبارزه شون به شکل سازمان یافته ادامه پیدا کنه.

نسل سومی ها و دومی ها باید از تجارب نسل اول استفاده کنن تا اشتباهات اونا رو در سال ۵۷ تکرار نکنن. باید به هر شکلی که ممکن هست در جهت هدایت مبارزات و آگاه کردن افکار مردم استفاده کرد. از بردن شعار و پلاکارد که جزو ابتدایی ترن کارهاست تا بحث های آگاه گرانه. باید بتوان هسته های محکم انقلابی از رادیکالترین نیروها، از جوانانی که شبانه با نیروهای رژیم در نبردند تا کسانی که در مبارزات به شکل منسجم و مداوم و رادیکال شرکت می کنند تشکیل داد و برنامه های انقلابی و مبارزاتی برای مقابله با نیروهای رژیم و هدایت مردم در مبارزات ریخت.

اکثریت مردم از شکاف بین سران رژیم آگاهند. باید جزئیات این اتفاقات و نقش کشورهای خارجی و ضعیف شدن رژیم به دلیل این اختلافات رو برای مردم توضیح داد. نکته ای که فکر می کنم خیلی مهمه اینه که اکثریت مردم در این دوره در مورد نقش کشورهای خارجی و بخصوص آمریکا خیلی آگاه بودن و می گفتن که آمریکا راه نجات مردم نیست. نباید از چاله جمهوری اسلامی در بیایم بیفتیم تو چاه اونا. می شبیم مثل عراق و افغانستان وخوب این نشانه آگاه شدن مردم و بالا رفتن شعور سیاسیشونه.

باید از تضعیف نیروهای نظامی به دلیل اختلافات و دو دستگی بین اونا رو برای مردم توضیح داد. وقتی رژیم برای سرکوب مردم از تمام نیروهای نظامیش اعم از بسیج و سپاه و ارتش و گارد رهبری و لباس شخصی و … استفاده می کنه یعنی آنقدر مردم قوی بودن که اونا مجبور شدن از همه نیروهاشون استفاده کنن. مردم باید از تضادی که بین سران رژیم به وجود اومده و تضادی که بین خودشون و رژیم هست به بهترین شکل ممکن استفاده کنند. نباید اجازه بدن که جناحی از حکومت سوار بر موج مبارزات مردم بشن و به نفع خودشون استفاده کنن. مهم ماهیت این رژیمه که نباید حفظ بشه. هر جناحی از حکومت که سر کار بیاد ماهیت اسلامی و ارتجاعی رژیم باقی می مونه.

در ۳۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی تمام جناحها در دوره های مختلف بر سر کار اومدن و امتحان خودشون رو پس دادن. مردم به عوام فریب بودن و ستمگر و مستبد بودن رژیم دیگه شکی ندارن و انتخابات بهانه ای شد تا اقیانوس خشم مردم به حرکت در بیاد.

در آستانه ۱۸ تیر سالگرد کشتاردانشجویان در رژیم اصلاح طلب خاتمی پس از ۱۰ سال و در ادامه مبارزات مردم، اینبار نگذاریم که مبارزات جوانان و دانشجویان خاموش گردد. به رادیکالترین شکل ممکن دهمین سالگرد شورش قهرمانانه دانشجویان در ۱۸ تیر را برگزار کنیم. وقایع ۱۸ تیر ۷۸ و برخوردهای رژیم را برای مردم باز گو و افشاگری کنیم تا همگان بدانند که حامی موسوی در انتخابات امسال خودش که بود و چه عقبه ای داشت.

به امید پیروزی!

نه سازش ، نه تسلیم ، نبرد تا رهایی!

تاریخ:

پنج روز مانده به دهمین سالگرد ۱۸ تیر!

(ارسالی از نشریه دانشجویی بذر)

اساسی همگان باید ،امضا، کنند،)

اگر لباس و سر و وضعش – به تشخیص دادگاه – مرتب و منظم نباشد دادگاه می تواند راهش ندنده، و اگر در امور وکالتی ،اعانت به ائمه، کند – لابد به تشخیص همان هیات پنج نفره که اکثریت آن منتخب رئیس قوه قضائیه هستند – صلاحیت او زائل خواهد شد و پروانه اش باطل، در ماده ۹۹ این آیین نامه گفته شده ،این آیین نامه… به پیشنهاد کانون های وکلا… با اصلاحات… به تصویب رسید…، این ،پیشنهاد کانون وکلا، که به موجب ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا که وجودش شرط صحت و اعتبار آیین نامه است، از طرف هیچ کانونی داده نشده و مبنای آنچه در ماده ۹۹ آیین نامه آمده معلوم نیست. آیا ممکن است این اعلام درست نباشد؟

خلاصه اینکه در صورت اجرای این آیین نامه به مراتب قوی تر از قانون می توانیم به دنیا اعلام کنیم در زمینه ،حق دفاع، مردم ۶۰ سال به عقب برگشته ایم (لابد به منظور اینکه ،دورخیز، کنیم و ۱۲۰ سال به جلو بپریم،) می توانیم منتظر باشیم هر وکیلی که حرف زیادی زد یا از عناصر نامطلوب قبول وکالت کرد – شب بخوابد و صبح برخیزد – و ببیند ،صلاحیت، ندارد و پروانه اش باطل شده است،

بی گمان خواهیم دید دگراندیشانی را که به پیامدهای دگراندیشی دچار می شوند و وکیل مناسبی برای دفاع از خود نمی یابند زیرا چه بسا همه وکلایی که جرات و شجاعت ورود به این گونه پرونده ها را داشته اند به چشم برهم زدنی فاقد صلاحیت شده یا بشوند.

این مشکل را البته دولت‌مردانی هم که مغضوب و مبعوض قرار می گیرند خواهند داشت و به دنبال وکیل مستقل آزاده و جسور خواهند گشت و نخواهند یافت. و چه دردناک است وضعیت کسانی که در گذشته های دور پروانه وکالت گرفتند و از مخالفان رژیم سابق – منجمله دانشجویان معترض – دفاع کردند و وابسته کانونی مستقل و مقتدر بودند که وجهه جهانی داشت و در کنار قوه قضائیه و دادگستری حضوری فعال و موثر داشتند و هم میهنان از هر قوم و قبیله و مذهب و طرز تفکر – با خیال راحت – به ایشان پناه می آوردند و پیرانه سر به روزی رسیده اند که ممکن است دفاع شان از فلان سیاستمدار یا دانشجوی معترض ،اعانت به ائمه، تلقی شود و کت و شلوارشان را دادگاه بازدید کند، و دردناک تر وضعیت مردمی است که در موارد جدی و خطرناک قضایی پناهگاه و ملجایی نخواهند داشت آیا باید استرجاع کنیم؟، الله اعلم .

بهمن کشاورز – وکیل دادگستری

دنیا را خیره کردند

با آن که در دستانشان جز سنگ نبود

چونان مشعلها درخشیدند

و چونان بشارت از راه رسیدند

ایستادند

منفجر شدند

شهید شدند

و ما برجا ماندیم؛ چونان ستاره هایی قطبی

— با پیکرهایی پوشیده از گرما —

آن از برای ما جنگیدند

نزار قربانی

### اسامی برخی از جانب‌اختگان

( منبع گزارش تفصیلی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در خصوص رویدادها، نقض حقوق بشر و اقدامات دستگاه امنیتی پس از انتخابات در محدود زمانی ۲۲ خردادماه تا ۱۲ تیرماه سال ۱۳۸۸ است.)

به دلیل شرایط امنیتی و ممانعت دولت از گردش آزاد اطلاعات و همچنین گستردگی می سابقه نقض حقوق بشر در ایران در طی روزهای اخیر، عملا امکان ارائه لیست و آماری جامع و مستند در خصوص جان باختگان وقایع اخیر وجود ندارد، اما منابع دولتی بر اساس اعلامهای مختلف حداکثر جان باختگان را ۲۰ شهروند و ۸ شبه نظامی(بسیجی) عنوان داشته اند اما منابع غیردولتی این امار را تا ۲۱۰ شهروند عنوان می نمایند.

اکثر خانواده های جان باختگان برای برگزاری مراسم ترحیم و تدفین با محدودیتهای عدیده ای از سوی نهادهای امنیتی روبه شدند و در بعضی از موارد گزارش شده است برای تحویل دادن جسد از خانواده های داغدار طلب پول شده بوده است. دولت و نهادهای مربوطه برای پیگرد عوامل دخیل در کشتار مردم بی دفاع اقدام مثبتی را سامان ندادند و کشته شدگان را اغشاشگر خواندند.

تعدادی از اسامی جان باختگان به شرح ذیل است :

۱. حسین طهماسبی، ۲۵ ساله در جریان تجمعات اعتراضی روز دوشنبه ۲۵ خرداد ماه در خیابان نوبهار کرمانشاه مورد حمله‌ی مأموران مسلح وابسته به دولت قرار گرفته و در اثر ضربات وارده جان خود را از دست داد.
۲. بهمن جنابی ۲۰ ساله، شاغل در مغازه نصب و تعمیرات شوافز – تهران ۳. مهدی کرمی ۲۵ ساله، ۲۵ خردادماه، محل فوت تقاطع جنت آباد وخیابان کاشانی، اصابت گلوله به گلو.
۴. ندا آقا سلطان، ۲۷ ساله، دانشجوی فلسفه، ۳۰ خردادماه، محل فوت خیابان کارگر شمالی، تقاطع خیابان شهید صالحی و کوچه خسروی، به دلیل اصابت گلوله نیروهای لباس شخصی به قلب .
۵. ناصر امیرنژاد، ۲۶ ساله، اهل یاسوج، دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته هوا–فضا، تاریخ ۲۵ خردادماه در ابتدای خیابان محمد علی جناح در تیراندازی نیروهای بسیج به قتل رسید.
۶. فاطمه رجب پور، ۲۸ ساله ، به قتل رسیده در تاریخ ۲۵ خردادماه در خیابان محمدعلی جناح.
۷. سرور برومند، ۵۸ ساله، به قتل رسیده در تاریخ ۲۵ خردادماه در خیابان محمدعلی جناح.
۸. محمد حسین برزرگر ۲۵ ساله دیپلم شغل آزاد به دلیل اصابت گلوله به سر در تاریخ چهارشنبه ۲۷ خرداد در میدان هفت تیر جان باخت و در یکشنبه ۳۱ خرداد بعد از تعهد گرفتن از خانواده در قطعه ۳۰۲ به خاک سپرده شد
۹. سید رضا طباطبایی ۳۰ ساله لیسانس حسابداری ، کارمند به دلیل اصابت گلوله به سر در ۳۰ خرداد در خیابان آذربایجان جان باخت و چهارشنبه ۳ تیر بعد از تعهد گرفتن از خانواده در قطعه ۲۵۹ به خاک سپرده شد.

۱۰. ایمان هاشمی ۲۷ ساله شغل آزاد به دلیل اصابت گلوله به چشم شنبه ۳۰ خرداد در خیابان آزادی جان باخت و چهارشنبه ۳ تیر در قطعه ۲۵۹ به خاک سپرده شد
۱۱. . پریسا کلی ۲۵ ساله فارغ التحصیل رشته ادبیات به دلیل اصابت گلوله به گردن در یکشنبه ۳۱ خرداد در بلوار کشاورز جان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۵۹ به خاک سپرده شد
۱۲. محسن حدادی ۲۴ ساله برنامه نویس کامپیوتر شنبه ۳۰ خرداد به دلیل اصابت گلوله بر پیشانی در خیابان نصرت جان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۶۲ به خاک سپرده شد.
۱۳. محمد نیکزادی ۲۲ ساله فارغ التحصیل عمران در سه شنبه ۲ تیر در ساله در قطعه ۳۰۲ به سینه در میدان ونک جان باخت و شنبه ۳۰ خرداد در قطعه ۲۵۷ به خاک سپرده شد.
۱۴. علی شاهدی ۲۴ ساله بعد از دستگیری و انتقال به کلانتری در تهرانپارس یکشنبه ۳۱ خرداد به دلایل نامعلوم در کلانتری جان باخت پزشکی قانونی علت مرگ وی را نامشخص اعلام کرده اما خانواده وی معتقدند به علت ضربات باتوم در کلانتری به قتل رسیده است، وی ۴ تیر در قطعه ۲۵۷ به خاک سپرده شد.
۱۵. واحد اکبری ۳۴ ساله شغل آزاد و متاهل دارای یک دختر ۳ ساله در شنبه ۳۰ خرداد به دلیل اصابت گلوله به پهلو در خیابان ونک جان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۶۱ به خاک سپرده شد.
۱۶. ابوالفضل عبدالهی ۲۱ ساله فوق دیپلم برق ۳۰ خرداد در مقابل دانشگاه صنعتی شریف به دلیل اصابت گلوله به پشت سرجان باخت و سه شنبه ۲ تیر در قطعه ۲۴۸ به خاک سپرده شد.
۱۷. سالار طهماسبی ۲۷ ساله دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی رشت شنبه ۳۰ خرداد در خیابان جمهوری به دلیل اصابت گلوله به پیشانی جان باخت ودوشنبه ۲ تیر در قطعه ۲۵۴ به خاک سپرده شد.
۱۸. قهیقه سلحشور ۲۵ ساله دیپلم یکشنبه ۲۴ خرداد به دلیل اصابت باتوم به سر و خونریزی داخلی در میدان ولی عصر بعد از انتقال به بیمارستان در تاریخ ۲۵ خرداد جان باخت و ۲۷ خرداد در قطعه ۲۶۶ به خاک سپرده شد.
۱۹. وحید رضا طباطبایی ۲۹ ساله لیسانس زبان انگلیسی چهارشنبه ۳ تیر در بهارستان به دلیل اصابت گلوله به سر جان باخت و ۶ تیر در قطعه ۳۰۸ به خاک سپرده شد.

۲۰. کیانوش آنا دانشجوی ترم آخر کارشناسی ارشد رشته‌ی پتروشیمی و از نخبگان دانشگاه علم و صنعت ایران در جریان تظاهرات روز دوشنبه ۲۵ خرداد ماه میدان آزادی تهران در اثر اصابت گلوله توسط افراد موسوم به لباس شخصی جان خود را از دست داد، وی پس از انتقال به کرمانشاه در آن شهر دفن شد.
۲۱. اشکان سهرابی، نوجوان ۱۸ ساله، دانش آموز، شنبه ۳۰ خرداد ماه بر اثر اصابت گلوله ای که از سوی نیروهای امنیتی و بسیج شلیک شد، در گذشت. محل جان باختن وی حدفاصل تقاطع رودکی وسرسبیل بود.
۲۲. فرزاد جشتی فرزند سید جافر ، اهل آیدانان از توابع استان ایلام، محل جان باختن تهران، ۳۰ خردادماه
۲۳. مصطفی غنیان دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، اهل مشهد، زمان فوت ۲۵ خردادماه در کوی دانشگاه تهران به وسیله نیروهای لباس شخصی .
۲۴. نادر ناصری، ۳۰ خردادماه، خیابان خوش، محل دفن بابل ۲۵. مسعود خسروی، ۲۵ خردادماه، میدان آزادی، مدفون در بهشت زهرا ۲۶. مسعود هاشم زاده، ۳۰ خرداد ماه ، تهران، محل دفن شمال کشور ۲۷. ایمان نمازی دانشجوی رشته عمران دانشگاه تهران، ۲۵ خردادماه ، کوی دانشگاه ۲۸. کاوه علی پور، ۱۹ ساله، شنبه ۳۰ خردادماه ، تهران

۲۹. اسامی شش شهروند جان باخته دیگر عبارت است از شیلر خضری، میدان بهارستان، مینبا احترامی و فاطمه برانی و آقایان کسری شرقی، کامبیز شعاعی و محسن ایمانی، کوی دانشگاه ۲۵ خردادماه (نیازمند منابع بیشتر)